

عصرنوبین و کم رنگ بودن علم

نومانند پوهنیار درویش احمد مدني^{۱*}

تعلیمات اسلامي خانګه، شریعاتو پوهنځی، نیمروز د لوړو زده کړو مؤسسه

د مسؤل آیمیل آدرس: madanidarvish520@gmail.com

ترلاسه سوي: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ منل سوي: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ خپره سوي: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ د ثبت ګټه: LSSAJ-1-1-12 مخونه (۱۴۱-۱۵۴)

چکیده

يکي از موارد مهم که بايد در راستای فراگیری آن تلاش و سعی شود تحصیل علم است؛ چون برای ترقی و پیشرفت جامعه بسیار لازم و ضروری است. اما به طور واضح و هویدا دیده می شود که جوانان و محصلین به طور شایسته به این امر توجه نکرده و از فراگرفتن علم با کوچکترین مشکل صرف نظر می کنند لذا بر آن شدم تا تحقیقی در مورد «اسباب عدم توجه و عدم اشتیاق به علم و تحصیل آن» نموده شاید مشکلی از جوانی و محصلی حل نموده و انگیزه‌ای برای پیشرفت و پیشبرد علم شان شود؛ اما سؤالاتی اینجا به وجود می آید که بزرگترین شان این است که امروز چرا آن قدر که باید به فراگرفتن علم، توجه نمی شود؟ یا این که چرا در عصر نوین جامعه در فراگرفتن علم کوتاهی می نمایند؟ و این سوالها ارزش موضوع بحث ما را مشخص می کند و در جواب این سوالها باید گفت که اسباب زیادی وجود دارد که جوانان و نوجوانان را از ادامه دادن تحصیل دور می کند و باعث خالی بودن صندلی های پوهنتون ها بشود یکی از آن اسباب که می خواهیم در اینجا به آن پردازیم که موضوع بحث ما هم هست آگاه نبودن محصل و جوان از اهمیت و فضیلت علم و تحصیل آن است که با دانستن آن ها قطعاً مسیر دانش را ادامه می دهند و هرگز آن را ترک نخواهند کرد.

واژه‌های کلیدی: علم، عالم، جهل، فضیلت، حدیث، تعلیم

مقدمه

حمد ستایش برای الله پاک و بی نیازی است که یکتا و بی مثال است خدایی که نعمت هایش را بدون منت بر بندگان خود ارزانی نموده و در این راستا تمام و کمال حق کار را ادا نموده است.

موضوعی که می خواهیم در این مقاله به آن پردازیم موضوع اهمیت و فضیلت علم است. که می خواهیم در قالب چند سؤال که مخاطب آن تحصیل کنندگان عصر نوین است جواب داده و پاسخ دهیم و کوشش بر این است که این پاسخ ها از تفاسیر مفسرین شاخص و معتبر ارائه گردد تا همه افشار تا همه از اهمیت این موضوع آگاه شده و برایشان علم الیقین حاصل شود که ما کوشش میکنیم آنرا به روش و میتود روایی بحث نماییم

بر هیچ کس این مطلب پوشیده نیست و همه از فضیلت و اهمیت علم با خبر هستند تا جایی که علامه امام الحرمین جوینی در کتاب خود می‌فرماید: «وفي أول كتاب العلم -باب فضل العلم- من فتح الباري يطالعنا قول ابن حجر: "وقد أنكر ابن العربي في شرح الترمذي على من تصدّى لتعريف العلم، وقال: هو أثبت من أن يبين" قلت: وهذه طريقة الغزالي وشيخه الإمام أن العلم لا يحد لوضوحه أو لعسره (فتح الباري: ۱/ ۱۴۱). (4). امام الحرمین، 1428 هـ ق، نهاية المطلب في دراية المذهب ج ۱ ص ۲۳۷».

«در اول باب فضیلت علم کتاب العلم، فتح الباری علامه ابن حجر قول ابن العربی را نقل کرده که ایشان بر کسانی که به دنبال تعریف علم و مشخص کردن فضل علم هستند ایراد گرفته و فرموده‌اند که فضل علم روشن و واضح‌تر از آن است که بیان کرده شود. و خودشان می‌فرمایند که روش امام غزالی و شیخ ایشان هم همین است که می‌فرمایند برای علم در سختی و آسانی حد مشخصی نیست.»

بااین وجود بازهم بنا بر یادآوری و مذاکره لازم دیده شده است نگاهی به ارزش و فضیلت علم از دیدگاه مفسرین بپردازیم تا باشد که باعث انگیزه مضاعف و دلگرمی ما در مورد تعلیم و تعلم علم شده و باعث شکوفا شدن استعداد ما، بقیه طلاب، محصلان و کسانی که می‌خواهند در این راه قدم بگذارند، شود.

که روش بحث ما چگونه تحقیق تفسیری و روایی کتابخانه‌ای می‌باشد.

حالا بیاییم به این سؤال‌ها جواب دهیم:

چرا باید علم آموخت؟

علم چه اهمیتی دارد؟

چرا باید علم آموخت؟

علم بهتر است یا عبادت؟

بدون شک می‌توانیم بگوئیم که علم بهتر از عبادت هست تا جایی که علامه محمد بن

جریر طبری در تفسیر جامع البیان خود در این باره تحت آیه مبارکه ۱۱ سوره مجادله می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱) (قرآن کریم: سوره المجادله: آیه ۱۱).**

(يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) إن بالعلم لأهله فضلا وإن له على أهله حقاً، ولعمري للحق عليك أيها العالم فضل، والله معطي كل ذي فضل فضله وكان مطرف بن عبد الله بن الشَّخِير يقول: فضل العلم أحب إلي من فضل العبادة، وخير دينكم الورع. (طبري، 1420 هـ ق، جامع البيان في تأويل القرآن ج: ۲۳ ص: ۲۴۷).

«همانا برای اهل علم فضل و بزرگی هست و این به گردن اهلش حتی دارد و این حق علم خودش یک فضل و لطف است و الله به صاحب هر فضل و کرمی فضلش را عنایت می کند و شیخ مطرف بن عبد الله بن شخیر می فرمودند: فضل علم نزد من بهتر از فضل عبادت است و بهترین چیز در دین یک شخص پرهیزگاری است»

لذا بسیار مهم و قابل توجه است که ما نسبت به تحصیل علم و مطالعه و یادگیری بیشتر مشتاق بوده و توجه خود در این بخش بسیار مبذول بداریم چون بنا بر قول علماء تحصیل علم از عبادت هم بهتر و بافضیلت تر است.

علم بهتر است یا عبادت؟

و همچنین علامه بغوی در تفسیر معالم التنزیل در مورد تأکید فضل علم بر فضل عبادت می فرماید:

وَكذلك كُلُّ عِبَادَةٍ أَوْجَبَهَا الشَّرْعُ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ، يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ عِلْمِهَا، مِثْلُ: عِلْمِ الزَّكَاةِ إِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ، وَعِلْمِ الْحَجِّ إِنْ وَجَبَ عَلَيْهِ. قَالَ الشَّافِعِيُّ: طَلَبُ الْعِلْمِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ. (بغوی، 1417 هـ ق، معالم التنزیل في تفسير القرآن ج ۲ ص ۴۰۵ = تفسیر البغوي).

«هر عبادت و عملی که شریعت او را بر فردی واجب کرده، لازم است که علم و عمل آن عبادت، هم حاصل شود؛ مثلاً اگر کسی مال دارد و زکات بر او واجب است لازم است که علم پرداخت زکات را نیز یاد داشته باشد و اگر کسی حج بر او فرض شده است، علم اداء حج هم بر او واجب و فرض می باشد همان گونه که امام شافعی می فرمایند: طلب و یادگیری علم از نماز نفل هم بافضیلت تر هست.»

با توجه به قول امام بغوی تحصیل علم هر علم بر خود عمل مقدم تر است. که دلیلی روشن بر فضیلت تعلیم علم بر عمل می باشد؛ همان گونه که در حدیث شریف آمده است:

رَوَى أَبُو أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ» (أبو عيسى، 1998 م، أخرجه الترمذي في العلم، باب ما جاء في فضل الفقه على العبادة: ۷/ ۴۵۶-457، وقال: هذا حديث حسن غريب صحيح).

«حضرت ابوامامه رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت می کند که ایشان فرمودند: فضل و برتری یک عالم بر عابد مانند فضیلت و برتری من بر پایین ترین فرد شما است.» که این حدیث هم موضوع بحث ما را تایید می کند که همانا فضیلت تحصیل علم بر عبادت می باشد

علم چی اهمیتی دارد؟

علم بافضیلت از عمل است

علامه ابوالقاسم محمود بن عمرو بن احمد زمخشری در تفسیر کشاف خود در مورد فضیلت علم نقل قول بسیار جالب و قابل توجه ای را بیان نموده است. ایشان می فرماید:

(و عن سفیان بن عیینة: أنه سئل عن فضل العلم فقال: أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَهُ حِينَ بَدَأَ بِهِ فَقَالَ فَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لَذَنْبِكَ فَأَمَرَ بِالْعَمَلِ بَعْدَ الْعِلْمِ وَقَالَ: ااعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ إِلَى قَوْلِهِ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَقَالَ: وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ فَأَحْذَرُواهُمْ وَقَالَ: وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ ثُمَّ أَمَرَ بِالْعَمَلِ بَعْدَ.) (زمخشری، 1407 ه ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ج ۴ ص ۳۲۴). از حضرت سفیان بن عیینة در مورد فضیلت علم سؤال شد، ایشان فرمودند: مگر قول الله متعال را نشنیده ای که فرموده است: «بدان که هیچ معبودی غیر از الله نیست و برای گناهان خود طلب آمرزش کن» که به تحصیل علم قبل از عمل امر فرموده است و همچنین در جای دیگری فرموده است: «بدانید که زندگانی دنیا لهو و بازی هست» تا اینجا که می فرماید «برای بخشش از پروردگارتان باهم مسابقه بدهید» و همچنین فرموده است: «و بدانید که اموال و اولاد شما برای شما آزمایش هستند» تا جایی که فرمودند «پس از آن ها بترسید» و همچنین در جای دیگری فرموده است: «بدانید که آنچه شما در جنگ به غنیمت گرفتید یک خمسش برای الله متعال است» که (اول از همه به علم امر نموده و) سپس (در تمام این موارد) امر به عمل کردن نموده است. اگر واقعاً به این عبارت علامه زمخشری دقت کنیم می بینیم که الله متعال در تمام این موارد اول از همه در مورد پرداختن به علم امر فرموده است. که یادگرفتن علم، منجر به عمل درست و صحیح می شود تا جایی که اگر بدون علم، عمل صورت گیرد منجر به اشتباه و گاهی منجر به صحیح نبودن عمل می شود. و در ادامه این مطلب در مورد فضیلت و ارزش علم امام فخرالدین رازی در تفسیر مفاتیح الغیب که به تفسیر کبیر معروف است در تحت این آیه مبارکه: قَوْلِهِ تَعَالَى: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ [الأنعام: ۱۲۴] (الله بهتر می داند که رسالت و پیامبری را کجا قرار دهد.) می فرماید:

هَذِهِ الْآيَةُ دَالَّةٌ عَلَى فَضْلِ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ سُبْحَانَهُ مَا أَظْهَرَ كَمَالَ حِكْمَتِهِ فِي خَلْقِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا بِأَنْ أَظْهَرَ عِلْمَهُ فَلَوْ كَانَ فِي الْمَكَانِ وجود شيء أَشْرَفَ مِنَ الْعِلْمِ لَكَانَ مِنَ الْوَاجِبِ إِظْهَارُ فَضْلِهِ بِذَلِكَ الشَّيْءِ. لَا بِالْعِلْمِ.

«این آیه بر فضل علم دلالت می کند چنانکه الله متعال کمال حکمت خود در خلقت آدم را با نشان دادن علم خود ظاهر می گرداند؛ لذا اگر چیزی بافضیلت تر از علم می بود حتماً الله متعال فضیلت و بزرگی آن چیز را بیان می کرد نه اینکه از علم بگوید.» (لذا این نشانه فضل علم است) و در ادامه می فرماید:

أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَّى الْعِلْمَ بِالْحِكْمَةِ ثُمَّ إِنَّهُ تَعَالَى عَظَّمَ أَمْرَ الْحِكْمَةِ وَذَلِكَ يَدُلُّ عَلَى عِظَمِ شَأْنِ الْعِلْمِ، (رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر ج: ۲ ص: ۳۹۹).

الله متعال برای علم نام حکمت را نیز استعمال نموده است و برای حکمت اهمیت و ارزش بسیار والا و بلندی قائل شده است که خود این نیز دلیل فضیلت و ارزش مقام والای علم می باشد.

چه پاداشی برای اهل علم است؟

خشیت و خداترسی، نتیجه تحصیل علم

یکی دیگر از نکاتی که مفسرین به آن اشاره کرده اند این است که علم با خود ترس از الله که هما خشیت هست را همراه دارد که این برای بندگان صاحب علم یک امتیاز ویژه و خاص است چون که الله متعال برای اهل خشیت وعده بهشت را داده است و در نتیجه گویا برای اهل علم وعده بهشت داده شده است.

امام فخرالدین رازی در تفسیر مفاتیح الغیب خود به این موضوع اشاره کرده و می فرماید: قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ وَهَذِهِ الْآيَةُ فِيهَا وَجُوهٌ مِنَ الدَّلَائِلِ عَلَى فَضْلِ الْعِلْمِ. أَحَدُهَا: دَلَالَتُهَا عَلَى أَمْرِ مَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْعُلَمَاءَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَالْعُلَمَاءُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَبَيَّنَ أَنَّ الْعُلَمَاءَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ قَوْلُهُ تَعَالَى: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ [فَاطِر: ۲۸] وَبَيَّنَّ أَنَّ أَهْلَ الْخَشْيَةِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَوْلُهُ تَعَالَى: جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ [الْبَيْتَةِ: ۸] إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ وَيَدُلُّ عَلَيْهِ أَيْضًا قَوْلُهُ تَعَالَى: وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ. (رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر ج: ۲ ص: ۴۰۶).

ترجمه: این قول الله متعال که می فرماید: «همانا بندگان اهل علم از الله متعال خشیت و ترس دارند» به چند جهت دلیل بر فضل و ارزش علم است؛

اول: اینکه این آیه دلالت می کند اهل علم بهشتی هستند چون ترس از الله و خشیت دارند و کسی که خشیت و ترس الله را داشته باشد اهل بهشت است پس اهل علم بهشتی و اصحاب جنت هستند؛ چراکه دلیل اهل خشیت بودن علماء این آیه مبارکه است: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ [فَاطِر: ۲۸]** و دلیل اینکه اهل خشیت بهشتی هستند این آیات مبارکه هستند که می فرمایند: **(جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ.)**

ترجمه: «پاداش آنان در پیشگاه پروردگارشان باغ های بهشتی است که جای ماندگاری است و رودبارها در زیر (کاخ ها و درخت های) آن روان است. جاودانه برای همیشه در آنجا خواهند ماند. خدا از ایشان راضی و ایشان هم از خدا خوشنودند! این (همه نعمت و خوشی) از آن کسی خواهد بود که از پروردگار خویش بترسد.» و همچنین این آیه کریمه نیز بر بهشتی بودن اهل خشیت دلالت دارد که الله متعال می فرماید: **وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ.** (برای کسانی که از الله ترس دارند دو باغ در بهشت هست.)

و در ادامه نیز امام فخرالدین به گونه ای صریح تر به این نکته اشاره دارد و می فرماید: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ [فَاطِر: ۲۸]** فَدَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى أَنَّ الْعَالِمَ يَكُونُ صَاحِبَ الْخَشْيَةِ، وَهَذِهِ الْآيَةُ وَهِيَ قَوْلُهُ: **ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ** تَدُلُّ عَلَى أَنَّ صَاحِبَ الْخَشْيَةِ تَكُونُ لَهُ الْجَنَّةُ فَيَتَوَلَّدُ مِنْ مَجْمُوعِ الْآيَتَيْنِ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقُّ الْعُلَمَاءِ. (رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر ج: ۳۲ ص: ۲۵۲).

ترجمه: این آیه کریمه **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** دلیل این است اهل علم، اهل خشیت هم هستند و این آیه کریمه **ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ** دلالت بر این دارد که اهل خشیت بهشتی هستند؛ لذا از مجموع دو آیه این به دست می آید که جنت جایگاه و حق علماء می باشد.

یکی از مهم ترین چیزهایی که یک مسلمان به آن نیاز دارد و همواره باید برای به دست آوردن آن تلاش و کوشش نماید همانا خشیت در تمام امور از الله متعال هست و این آن چیزی است که یک مسلمان باید به آن مزین باشد و این خشیت در سایه علم بسیار محسوس تر از بقیه موارد هست لذا کسانی که به تحصیل علم روی می آورند احتمال رسیدنشان به خشیت و خدا ترسی بسیار بیشتر از موارد دیگر می باشد.

نبی کریم صلی الله علیه و سلم و طلب علم در دعای ایشان

و بسا جای فخر و مباحات هست برای علماء و اهل علم که نبی اکرم صلی الله علیه و سلم به طلب علم از جانب الله متعال امر شده است و به ایشان گفته شده است {وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا} [طه: ۱۱۴] ترجمه: (و بگو ای پیامبر: یا رب در علم من بیفزای).
در تفسیر این آیه علامه عمر بن علی بن عادل حنبلی در تفسیر اللباب فی علوم الکتاب خود می فرماید:

(فلو كان شيء أشرف من العلم لأمر الله - تعالى - نبيه المزيّد منه، كما أمره أن يستزید من العلم). (دمشقی، ۱۴۱۹ هـ ق، اللباب فی علوم الکتاب ج: ۵ ص: ۹۵).

«پس اگر چیزی در نزد الله بافضیلت تر از علم می بود حتماً الله متعال نبی خود را امر می کرد که برای آن چیز طلب زیادگی نماید، همان طور که به ایشان برای طلب علم امر نموده است.»

و علامه ابو المحاسن جمال الدین الملطی الحنفی در کتاب المعتصر من المختصر در تأیید این مسئله یک قاعده فقهی را بیان نموده است و فرموده است: (وأجمع العلماء أن الرجل إذا كان أعلم فهو أولى بالإمامة من الأفضل لزيادة فضل العلم على فضل العمل وروي فضل العالم على العابد كفضل القمر ليلة البدر على سائر الكواكب). (ملطی، (بی تا) المعتصر من المختصر من مشکل الآثار ج: ۲ ص: ۳۴۰).

«علما در مورد این مسئله اجماع کردند که شخص عالم برای امامت افضل است از شخص زاهد و متقی، چراکه فضیلت علم بیشتر از فضیلت عمل است و در حدیثی از نبی کریم صلی الله علیه و سلم روایت شده است که فضیلت عالم بر عابد مانند برتری و فضیلت ماه شب چهاردهم بر سائر ستارها است. پیام این حدیث بسیار واضح و روشن است که همانا به برتری و بلندی جایگاه علم و دانش اشاره دارد. و علامه محمد بن احمد قرطبی در کتاب مقدمات الممهدات خویش در مورد این قاعده فقهی می فرماید:

(فلا يلحق فضل العبادة بفضّل العلم یا جماع من العلماء. فقد قالوا جميعاً: إن الرجلين إذا كان أحدهما أعلم والثاني أفضل إن الأعلم أولى بالإمامة). (قرطبی، ۱۴۰۸ هـ المقدمات الممهدات عدد الأجزاء: ۳ ص: ۴۸۴).

«به اجماع علماء فضیلت عبادت به فضیلت علم نمی رسد چون همه فرموده اند: زمانی که دو نفر یکی عالم و یکی متقی باشند بهتر و اولی تر برای امامت عالم می باشد»

حسنه به معنای علم است.

علامه عبدالرحمن بن ابوبکر جلال الدین سیوطی در کتاب درالمنثور می فرماید

(وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَعَبْدُ بْنُ حَمِيدٍ وَابْنُ جُرَيْرٍ وَالدَّهْلِيُّ فِي فَضْلِ الْعِلْمِ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شَعْبِ الْإِيمَانِ عَنْ الْحَسَنِ فِي قَوْلِهِ {رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً} قَالَ: الْحَسَنَةُ فِي الدُّنْيَا الْعِلْمُ وَالْعِبَادَةُ وَفِي الْآخِرَةِ الْجَنَّةُ.) (سيوطي، (بی تا) الدر المنثور ج: ۱ ص: ۵۶۰).

(امام ابن شیبہ، عبد بن حمید، ابن جریر و علامه ذہبی در باب فضل علم و امام بیہقی در شعب ایمان از امام حسن در تفسیر آیه: «پروردگارا! ما را در دنیا و آخرت حسنه نصیب فرما» روایت می کند که ایشان فرمودند که مراد از حسنه در دنیا علم و عبادت است و مراد از حسنه در آخرت جنت می باشد.)

وعده های جذاب و شگفت انگیز برای تحصیل کنندگان علم

علامه محمد ثناء الله مظهری در تفسیر مظهری خود می فرماید:

اخرج ابن عبدالرزاق في فصل العلم بسنده عن ابراهيم النخعي قال يجاء بعمل الرجل فيوضع في كفة ميزانه يوم القيامة فيخف فيجاء بشيء أمثال الغمام فيوضع في كفة ميزانه يوم القيامة فيثقل فيقال ما تدري ما هذا فيقول لا فيقال هذا فضل العلم الذي كنت تعلم الناس - واخرج الذهبي في فضل العلم عن عمران بن حصين قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يوزن يوم القيامة مداد العلماء ودم الشهداء فيترجح مداد العلماء على دماء الشهداء. (مظهری، ۱۴۱۲ هـ ق، التفسير المظهری ج: ۶ ص: ۴۰۵).

امام عبدالرزاق در باب فضل العلم و از حضرت ابراهیم نخعی روایت می کند که ایشان می فرماید در روز قیامت عمل شخصی آورده می شود و در کفه ترازو او گذاشته می شود که سبک هستند پس چیزی مانند ابرها را می آورند و در کفه ترازو او می گذارند که سنگین می شود برای او گفته می شود آیا می دانی که این چی بود؟ می گوید نه برایش گفته می شود این فضل علم است که تو برای مردم تعلیم می دادی.

و همچنین امام ذہبی در فضل علم از عمران بن حصین روایت می کند که ایشان فرمودند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند روز قیامت رنگ مداد علما را با خون شهدا وزن می کنند و رنگ مداد علما از خون شهدا بافضیلت تر و مرجح تر می شوند.

و همچنین در فضیلت تحصیل علم امام شهاب الدین آلوسی در تفسیر رح المعانی خویش می فرماید:

والدال على فضل العلم والعلماء أكثر من أن يحصى، وأرجى حديث عندي في فضلهم ما رواه الإمام أبو حنيفة في مسنده عن ابن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم: «يجمع الله العلماء يوم القيامة فيقول: إني لم أجعل حكمتي في قلوبكم إلا وأنا أريد بكم الخير اذهبوا إلى الجنة

فقد غفرت لكم على ما كان منكم» (ألوسی، ۱۴۱۵ هـ ق، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ج: 14 ص: 223).

دلایلی که بر فضیلت علم و علماء دلالت دارد بیشتر از آن است که شمرده شود و بهترین حدیثی که در مورد فضیلت علم نزد من است حدیثی است که امام اعظم، امام ابوحنیفه رحمه الله در مسند خود از حضرت ابن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که ایشان می فرماید رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: الله متعال در روز قیامت علماء را جمع کرده و به آنها می فرماید: یقیناً من حکمت خود را در قلب های شما قرار ندادم مگر اینکه به شما اراده خیر داشتم بروید به بهشت یقیناً که شمارا مغفرت کردم به حالتی که باشید.

سبحان الله چه فضیلتی! چه وعده ای! چه بشارتی! چه نیک خبری و خوش خبری برای اهل علم و محصلین علوم! که به آنها وعده بهشت داده شده است و آنها در سایه رحمت الله متعال هستند، سبحان الله.

علوم عصری در کنار علوم دینی و عقیدتی

اما نباید این فضایل را تنها در علوم شرعی و دینی محصور و منحصر بدانیم چون علم زمانی فضیلت و مهتری آن ظاهر می شود که بتواند مشکلات و مصائب مردم را حل کرده و به مردم منفعت و فایده ای برساند این چه بسا گاه در علوم عصری زیاده تر محسوس می شود همان طوری که علامه محمد بن ابراهیم تویجری در کتاب موسوعة الفقه الاسلامی می فرماید:

«فضيلة الشيء وشرفه يظهر تارة من عموم منفعة... وتارة من شدة الحاجة إليه... وتارة من ظهور النقص والشر بفقده... وتارة من حصول اللذة والسرور بوجوده... وتارة من كمال وحسن الثمرة المترتبة عليه. وهذه الجهات بأسرها حاصلة للعلم.» (تویجری، ۱۴۳۰ هـ، موسوعة الفقه الإسلامي ج: ۱ ص: ۴۷۹).

(فضیلت و شرف یک چیز گاهی وقت ها به خاطر منفعت عمومی اش آشکار می شود و گاهی به خاطر احتیاج شدید به آن چیز معلوم می شود و گاهی هم به خاطر نقص و شرارتی که از نبود آن وجود می آید ظاهر می شود و گاهی به خاطر لذت ها و سروری که از بودن به دست می آید هویدا می شود و بعضاً هم به خاطر فواید و ثمره ها آن است که شرف و فضیلت یک چیز زیاد می شود و این موارد همه در تحصیل علم وجود دارد).

از این گفته علامه محمد بن ابراهیم معلوم می شود که علم بافضیلت ترین چیز موجود است و همچنین این هم معلوم می شود که در میان علوم به آن علم فضیلت و برتری می رسد که نفع، فایده، ثمره آن به مردم برسد و احتیاجات و ضرورت آنها را تأمین کند و به مشکلات و مصائب آنها

رسیدگی کند که این مورد گاه‌ها و بعضاً در علوم عصری مانند طب، اقتصاد، انجینری و دیگر مورد بیشتر هویدا و آشکار است.

عالم بافضیلت تر است یا عاقل؟

شاید برای بسیاری از افراد، محصلین و دانشمندان تعجب برانگیز باشد اینکه به آن‌ها گفته شود که جایگاه علم حتی بالاتر از جایگاه عقل است و فضیلت عالم بالاتر از عاقل است.

امام اسماعیل بن حقی استامبولی در تفسیر روح البیان خود در زیر این آیه می‌فرماید: **وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ** (العنکبوت: ۴۳) **خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ** (قرآن کریم: العنکبوت 43 و ۴۴).

ترجمه: این‌ها مثال‌هایی هستند که ما برای مردم می‌زنیم و جز فرزندگان، آن‌ها را فهم نمی‌کنند (و) سواي خردمندان از آن‌ها عبرت نمی‌گیرند و درس زندگی نمی‌آموزند). خداوند آسمان‌ها و زمین را از روی حساب و برابر حکمت آفریده است. قطعاً در این (آفرینش زیبا و به‌جای کائنات) نشانه بزرگی برای ایمان‌داران است (تا با آن خالق جهان را بشناسند).

«ودلت الآية على فضل العلم على العقل ولا عالم منا الا وهو عاقل فاما العاقل فقد يكون غير عالم». (خلوتي، (بی تا) روح البیان ج: ۶ ص: ۴۷۲).

(این آیه بر فضیلت و برتری علم بر عقل دلالت می‌کند چون همه علماء عاقل هستند ولی تمام عقلا عالم نیستند.)

و علامه نسفی در تفسیر خو در تائید مسئله فوق تحت تفسیر این آیه می‌فرماید: وعن النبي صلى الله عليه وسلم أنه تلا هذه الآية فقال العالم من عقل عن الله فعمل بطاعته واجتنب سخطه ودلت الآية على فضل العلم على العقل. (نسفی، ۱۴۱۹ هـ ق، تفسیر النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) ج: ۲ ص: ۶۷۸).

«از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت است که ایشان این آیه را تلاوت نمودند و فرمودند: عالم کسی است خود را از بحث کردن در مورد ذات الله بازدارد و از اوامر الله اطاعت و نواهی آن دوری نماید» لذا فضل این آیه بر فضل علم بر عقل دلالت می‌کند.

علم بهترین چیز است

و همچنین علامه عبدالله بن عمر بیضاوی در تفسیر مشهور خود در مورد اینکه علم بافضیلت‌ترین و مشرف‌ترین نعمت در هستی هست در تحت آیه ۱۵ سوره نمل می‌فرماید:

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ [سورة النمل (۲۷): آية ۱۵]

(وفيه دليل على فضل العلم وشرف أهله حيث شكرنا على العلم وجعلناه أساس الفضل ولم يعتبرنا دونه ما أوتينا من الملك الذي لم يؤت غيرهما، وتحريض للعالم على أن يحمد الله تعالى على ما آتاه من فضله وأن يتواضع ويعتقد أنه وإن فضل على كثير فقد فضل عليه كثير.) (بيضاوي، ۱۴۱۸ هـ، أنوار التنزيل وأسرار التأويل ج: ۴ ص: ۱۵۶).

«این آیه بر فضل و شرف علم دلالت دارد چون حضرت داود و حضرت سلیمان شکر این نعمت را بجا آورده اند و این نعمت را اساس و تکمله تمام نعمت‌ها قرار داده‌اند و این کار حتی برای ملک و پادشاهی که الله متعال به هیچ‌کس غیر از آن‌ها نداده بود هم انجام ندادند لذا این آیه تشویقی هم برای اهل علم و محصلین هست که شکرالله متعال را بجا بیاورند و تواضع نمایند و باور داشته باشند که اگرچه بر بسیاری از افراد فضیلت داده شده‌اند ولی کسانی هم هستند که از این‌ها با فضیلت‌تر باشند.»

بهترین وعده برای تحصیل کنندگان علوم

علامه ثعالبی در کتاب جواهر الحسان خود یکی از بزرگ‌ترین و بهترین وعده‌های داده شده به تحصیل کنندگان علوم را ذکر است که انسان را وادار می‌کند که در راه تحصیل علم حتی تمام زندگی خود مصرف نماید و از لحظه لحظه زندگی خود فقط برای تحصیل علم استفاده نمایند که برای محصلین بسیار بشارت و خوش خبری بزرگی هست که اصلاً نمی‌توان نادیده گرفت. ایشان می‌فرماید:

وقد جاء في فضل العلم آثار كثيرة، فمن أحسنها: ما رواه أبو عمر بن عبد البر بسنده، عن معاذ بن جبل، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعْلِيمَهُ لِلَّهِ خَيْرٌ، وَطَلَبُهُ عِبَادَةٌ، وَمَذَاكِرُهُ تَسْبِيحٌ، وَابْحَثْ عَنْهُ جِهَادٌ، وَتَعْلِيمُهُ لِمَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ، وَبَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَمَنَارٌ سُبُلُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَهُوَ الْأَنْبَسُ فِي الْوَحْشَةِ، وَالصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ، وَالْمُحَدِّثُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالِدَلِيلُ عَلَى السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ، وَالسَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ، وَيَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً وَائِمَّةً تُقْتَصُّ آثَارُهُمْ، وَيَقْتَدِي بِفِعَالِهِمْ، وَيَنْتَهِي إِلَى رَأْيِهِمْ، وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلَّتِهِمْ، وَبِأَجْنَحَتِهَا تَمْسَحُهُمْ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلُّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ، وَحِيتَانُ الْبَحْرِ وَهَوَامُّهُ، وَسَبَاحُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهُ لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ، وَمَصَابِيحُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلَمِ، يَبْلُغُ الْعَبْدُ بِالْعِلْمِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَالدرجات العلى في الدنيا والآخرة، الفكر فيه يعدل الصيام، ومدارسه تعدل القيام، به توصل الأرحام، وبه يعرف الحلال من الحرام، هو إمام العمل، والعمل تابعه، يلهمه السعداء،

وَيُحَرِّمُهُ الْأَشْقِيَاءُ» أخرجه حافظ ابن عبد البر في «جامع بيان العلم رقم: ٢٦٨» (ثعالبي، ١٤١٨ هـ ق، الجواهر الحسان في تفسير القرآن ج: 2 ص: 12).

(در مورد فضیلت علم احادیث زیادی موجود هست ولی یکی از بهترین احادیث حدیثی است حافظ ابو عمر بن عبد البر به سندی از حضرت معاذ روایت کرده است که ایشان فرمودند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: علم را یاد بگیرید چون که باعث خشیت از الله متعال می شود، طلب علم عبادت است، مذاکره آن ذکر است، مباحثه کردن آن جهاد است، تعلیم دادن آن صدقه است، بخشش نمودن آن برای علماء دیگر صله رحمی است چرا علم واضح کننده حلال و حرام است، چراغ راه بهشت است صله رحمی است چرا علم واضح کننده حلال و حرام است، چراغ راه بهشت است، در تنهای همراه هست، در غربت رفیق هست، در خلوت هم کلام است، در غم و شادی راهنما هست، بر دشمنان سلاح است و نزد دوستان زینت است، الله متعال به وسیله علم اقوامی را بلند مرتبه می کند و آن ها را رهبرانی که از آن ها تقلید می شود قرار می دهد که رأی آن ها تأیید شده و از آن ها پیروی می شود، فرشتگان آن ها بین خود یاد می کنند، وبال های خود را به آن ها می مالند و هر چیز سبز و خشک برای آن ها طلب بخشش می کنند حتی ماهی ها دریا و موجودات آن و حیوانات خشکی و درندگان آن؛ چرا که علم باعث زنده ماندن قلب ها از جهالت می شود و نور چشمان در تاریکی است بنده به وسیله علم به جایگاه بزرگان و به مقام های بلند در دنیا و آخرت می رسد. فکر کردن در علم مساوی با روزه گرفتن است، درس دادن آن مساوی با شب زنده داری است، به وسیله علم صله رحمی صورت می گیرد و با آن حلال و حرام شناخته می شود، علم پیشوا عمل و عمل تابع او هست، علم به انسان ها خوشبخت داده می شود و انسان ها بدبخت از علم محروم می شوند.)

نتیجه

با توجه به تحقیق صورت گرفته و احادیثی ذکر شده معلوم می شود که جایگاه یک متعلم، یک محصل، یک معلم، یک استاد، یک عالم، بسیار والا و بلند است تا جایی که فرشتگان بال های خود را برای آن ها پهن کرده و حیوانات دریا و خشکی طبق احادیث فوق که گذشت برای آن ها دعای خیر و مغفرت می نمایند و اینکه آن ها اهل خشیت و خداترسی هستند و اینکه آن ها مشغول فراگرفتن و تحصیل چیزی هستند که الله متعال به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم امر کرده بود تا در دعا های خود آن چیز را طلب کند و او همان علم بود.

با توجه به موارد گفته شده و روایت های آورده شده در مورد فضیلت علم و توجه به تحصیل آن که موضوع بحث ما بود، لازم است که یک محصل با عزمی راسخ در این راه قدم بگذارد لذا حالا می توانیم که به سوالی که در مقدمه گفته شده پاسخ دهیم که همانا توجه نداشتن محصلین به فضیلت و مقام و ارزش علم است که گاهی آنها را از راه تحصیل آن دور میکند. فضیلت و اهمیت علم در دین اسلام بسیار بالاتر از حد تصور است؛ کدام دین و مذهب است که در مورد علم و دانش، از زبان خود شارع و نبی آنها این قدر برای آنها وعده نیک داده شده باشد و یا برای تحصیل آن تشویق نموده باشد؛ یقیناً که اسلام خواهان ترقی و پیشرفت دین و دنیای افراد هست و این را جوان محصل و متعلم مسلمان و دانشمندان ما باید بدانند تا باشد که کشورهای مسلمان روز به روز مرفه تر و شکوفاتر شوند. این تحقیق را تقدیم به هر محصل و متعلمی می نمایم که نمی خواهند تقدیر خود و وطن خود را به دست دیگران بسپارند.

و ما توفیقی الا بالله علیه و توکل و هو رب العرش العظيم

منابع

1. قرآن کریم.
2. أبو عیسی، محمد بن عیسی بن سَوْرَة بن موسی بن الضحاک. 1998 م. الترمذی، الجامع الكبير (سنن الترمذی). الناشر: لبنان: بیروت، دار الغرب الإسلامی.
3. أُلوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی، ۱۴۱۵ هـ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثانی، جلد ۱۴، چاپ اول، لبنان: بیروت، دار الکتب العلمیة،
4. امام الحرمین، ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف بن محمد الجونی، 1428 هـ ق، 2007 م، نهاية المطلب فی درایة المذهب، جلد 1، چاپ اول، ریاض، عربستان، دارالمنهاج.
5. بغوی، ابومحمد الحسین بن مسعود، 1417 هـ ق، 1997 م، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، جلد 2، چاپ چهارم، انتشارات دارالطیبة.
6. بیضاوی، ناصرالدین ابوسعید عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی، ۱۴۱۸ هـ ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل، جلد 4، الناشر: لبنان: بیروت، دار إحياء التراث العربي،
7. تویجری، محمد بن إبراهیم بن عبد الله، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، موسوعة الفقه الإسلامی، جلد 1، چاپ اول، عربستان، بیت الافکار الدولية.
8. ثعالبی، أبو زید عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف، ۱۴۱۸ هـ ق، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن جلد ۲، چاپ اول، الناشر: لبنان: بیروت، دار إحياء التراث العربي.

9. خلوتي، إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي، بي تا، روح البيان، جلد ٦، الناشر: دار الفكر، لبنان، بيروت..
10. دمشقي، ابوحفص سراج الدين عمر بن علي بن عادل الحنبلي الدمشقي النعماني، 1419 هـ ق، 1998 م، اللباب في علوم الكتاب، جلد 5، چاپ اول، لبنان، بيروت، دارالكتب العلمية.
11. رازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري، 1420 هـ ق، مفاتيح الغيب = التفسير الكبير جلد 2، چاپ سوم، لبنان، بيروت، دار التراث العربي.
12. زمخشري جار الله، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، 1407 هـ ق، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، جلد 4، چاپ سوم، لبنان، بيروت، دار الكتاب العربي.
13. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، بي تا، جلال الدين، الدر المنثور جلد 1، لبنان، بيروت، دار الفكر..
14. طبري، ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، 1420 هـ ق، 2000 م، جامع البيان في تأويل القرآن، جلد 23، چاپ اول، مؤسسة الرسالة.
15. قرطبي، أبو الوليد محمد بن أحمد بن رشد، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م، المقدمات الممهدات، جلد 3، چاپ اول، لبنان، بيروت، دار المغرب الاسلامي.
16. ملطي، يوسف بن موسى بن محمد، بي تا، المعتصر من المختصر من مشكل الآثار، جلد 2، لبنان، بيروت، عالم الكتب.
17. مظهری، محمد ثناء الله، ١٤١٢ هـ ق، التفسير المظهری، جلد 6، پاکستان، مكتبة الرشدية.
18. نسفی، ابوالبركات عبد الله بن احمد بن محمود حافظ الدين، ١٤١٩ هـ ق، ١٩٩٨ م، تفسير النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) جلد ٢، چاپ اول، الناشر: لبنان، بيروت، دار الكلم الطيب.

لعصر الحديث وضعف العلم

المرشح الأستاذ درويش أحمد المدني

أستاذ قسم التعليمات الإسلامية في معهد التعليم العالي بنيمروز

madanidarvish520@gmail.com

الملخص

تُعتبر دراسة العلم واحدة من القضايا الهامة التي يجب السعي لتحقيقها، إذ تعد ضرورية لتقدم المجتمع وازدهاره. ومع ذلك، يتضح جلياً أن الشباب والطلاب لا يولون هذا الأمر الاهتمام الكافي، ويتخلون عن طلب العلم عند مواجهتهم لأبسط المشكلات. لذا، قررت إجراء بحث حول "أسباب عدم الاهتمام وعدم الحماس للعلم ودراسته"، عسى أن أتمكن من حل مشكلة من مشكلات الشباب والطلاب، ولتكون حافزاً لهم في تطوير علمهم.

ومع ذلك، تثار عدة تساؤلات، ومن أبرزها: لماذا لا يُعطى تعلم العلم ما يستحقه من اهتمام اليوم؟ أو لماذا يُظهر المجتمع في العصر الحديث تقصيراً في طلب العلم؟ هذه الأسئلة تحدد قيمة موضوع بحثنا. وفي الإجابة على هذه التساؤلات، ينبغي القول إن هناك أسباباً عديدة تشتت انتباه الشباب والمراهقين، مما يؤدي إلى شغور مقاعد الجامعات. ومن بين هذه الأسباب، التي سنركز عليها هنا، هي عدم وعي الطلاب والشباب بأهمية وفضل العلم ودراسته. فبمجرد إدراكهم لهذه الأمور، سيواصلون بلا شك مساهمهم في طلب العلم ولن يتخلوا عنه أبداً.

الكلمات المفتاحية: علم، عالم، جهل، فضيلة، حديث، تعليم.



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Helmand University

Leed Social Science Academic Journal

Volume:1	Issue: 1	Year:2024
-----------------	-----------------	------------------